

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض کنم بحثی که مطرح شد البته اصل بحث خیلی خارج شدیم بحث های فهرستی بود و بعد باز برمی گردیم هنوز به این زودی ها خارج نمی شویم به این مناسبت متعرض این شدیم که بعضی از اسمائی که الان در کتب هست اینها مجهولند در حقیقت اینها موهومند اصلا وجود خارجی ندارند به این مناسبت وارد بحث شدیم یکی از این ها همین کتاب طب الائمة است که مرحوم نجاشی هم نقل کرده است ، حالا علیرضا بیاید عبارت ایشان را یک بار دیگر

اولا ایشان راجع به مرحوم ابن عیاش می گوید استاد من بود و چنین و چنان آخرش می گوید رحمه الله و سامحه خدا از او در بگذرد از این تعبیر معلوم است که به اصطلاح خیلی خوش بین نبوده است راجع به ابوالفضل شیبانی با اینکه اهل سنت خیلی به او حمله کردند راجع به ابوالفضل شیبانی با اینکه جوان هم بوده ایشان در وقت فوت ابی الفضل سیزده ساله بوده نجاشی در وقت فوت این مرحوم ابن عیاش بیست و نه ساله بوده می گوید تجنبت الروایة عنه الا بواسطة بینی و بینة این را استثناء می کند اما راجع به ابن عیاش این استثناء را هم ندارد اصلا از او نقل نمی کند و نجاشی خوب گاه گاهی بعضی مطالبی را که ابن عیاش در بغداد نقل کرده ایشان آورده خوب به هر حال در بغداد بوده این کتاب یا نوشتار در بغداد بوده لذا ایشان آورده این مطلب را لکن این نه به معنای حجیت باشد حالا گفتیم عبارت مرحوم نجاشی را راجع به ابنی بسطام بخواند ایشان حالا می خواهید سریع رد بشوید این طب الائمة مشکلاتش خیلی فراوان است می گویم در این کتاب نوشته سندها ساختگی نمی دانیم مراد ایشان از سندهای ساختگی چیست . یعنی مثلا چنین

یکی از حضار : همین کتاب دانشگاه ادیان را می فرماید نوشتند

آیت الله مددی : همین سندهای ساختگی .

اولا ایشان غالبا علیرضا گفت من آماده کردم حالا اگر بعد بتواند سریع بخوانم چون وقتان

یکی از حضار : آماده کردم بله کنار گذاشتم .

آیت الله مددی : بله ایشان آقا از یک اسماء مجهولی نام می برد که هیچ کس نمی شناسد اسم مجهول

یکی از حضار : در طب الائمة

آیت الله مددی : در طب الائمة .

بعدش مثلاً حماد بن عیسی، یک مجهول الهویه ای بعدش عن حماد بن عیسی و ظاهراً مثل زمان ما دیگر زمان فرقی نکرده مثلاً می خواستند نسبت بدهند که ائمه علیهم السلام در طب و علوم طبیعی و اینها واردند ظاهراً این طور بوده است.

می گویند آن مردک نوح بن فلان مروزی احادیث جعل کرد که من قراء سورة بقره کذا سورة آل عمران به همین ترتیب به او گفتند یک چنین این همه روایت از کجا آوردی گفت خودم جعل کردم گفت آخر پیغمبر گفته من کذب علی متعمداً گفت انا کذبت له ما علیه من به نفع مردم نشستند فیلم های سینمایی نگاه می کنند به قول ما کارتون نگاه می کنند به جای آن بنشینند قرآن بخوانند این کارها چیست، ظاهراً والعلم عند الله والعلم عند الله عده ای از مردم این طوری بودند فکر می کردند که حتی این علوم کذا را نسبت به ائمه علیهم السلام بدهند یک نکته ی لطیف و باریکی اینجا دارد که الان متعرض نمی شوم چون آن یک لوازمی دارد که نمی خواهم متعرض بشوم فقط اشاره کردم که نکته ای دارد حالا نمی خواهم متعرض بشوم.

فرض کنیم به اینکه آن وقت مثلاً شما همین چند سال اخیر اگر یادتان باشد دواي جامع موسی بن جعفر خیلی رایج شد این فقط در همین طب الائمه است هیچ جای دیگر نیامده است دواي جامع فقط در طب الائمه است یعنی هنوز هم مردم ما همان عوام های زمان نجاشی و اینها فکر می کردند که ما اینها را به ائمه نسبت بدهیم این مثلاً مقامات اهل بیت را بالا می برد اینها کذبت لهم این ها به عنوان کذب لهم است نه کذب علیهم است.

علی ای حال به نظر ما که حتی شاید خود کتاب کلا جعلی باشد دیشب خوب یک مقداری از این اسانیدی را که برای صاحب تحف العقول بود از این کتاب حقائق اسرار دین یا اسرار حقائق دین خواند خیلی سندها مشوه است اصلاً سندها نمی دانیم این افراد وجود خارجی دارند ندارند که هستند درست است اسم درست آمده باطل آمده این قدر وضع سند این که اینها از حرانی ها پنج تا آل شعبه دارند از حرانی ها محمد بن شعبه و حسن بن شعبه آنها را هم نمی دانیم ما هیچ اصلاً خبر نداریم، ما که شیعه هستیم اگر خبر نداریم سنی ها به طریق اولی خبر ندارند.

مثلاً می گوید ابن شعبه گاهی محمد بن شعبه است گاهی حسن بن شعبه اصلاً این برای ابن یکی است یا برای آن یکی است اصلاً اینها وجود خارجی دارند؟ چون عرض کردم حسن بن محمد، حسن بن علی بن شعبه که می گویند در سال ۳۶۸ وفاتش بود حالا بعید است این تاریخ باشد ۷۵-۳۷۰ به این سال ها می خورد می گویند در حدود رتبه ی صاحب فقیه است یعنی شیخ صدوق ۳۸۱ وفات ایشان خیلی بعید است این به اصطلاح ایشان اصلاً وجود چون ما از ایشان نام از ایشان حالا کتابش که هیچ نام ایشان اولین بار در کتاب های ما در زمان صفویه آمد.

کتابی است برای مرحوم شیخ ابراهیم بن سلیمان القطیفی و یعجبنی که ایشان می گوید نمی دانم فرقه ی ناجیه یک چنین اسمی دارد در اینجا یک حدیثی و من العالم الجلیل الفلان المتکلم بیاورم یک بار دیگر هم این یک بار در کتاب های ما آمده یک بار دیگر هم در همان کتاب اسمش را برده دیگر این القاب را ندارد یک دفعه با القاب است یک دفعه بدون القاب است ابن شعبه یعنی ایشان متوفای ۹۵۰ یا ۵۱ است مرحوم قطیفی یعنی ۴۰ - ۳۰ سال بعد از صفویه این کتاب به ایران رسید دست ایرانی ها رسید دست صفویه و الا این کتاب را اصلا اسمش را هم ما نمی دانستیم اسم ابن شعبه را هم نمی دانستیم .

بله انصافا این کتاب طب الصادقین اگر برای او باشد این می خورد به تحف العقول معلوم است مرد ملایی است اما با آن حقائق آن اسنادی را که در حقایق بود آن خیلی عجیب و غریب است آن اصلا نمی دانیم اصلا آنها وجود خارجی دارند یا ندارند .

خلاصه ی مطلب که می خواهم من عرض بکنم امثال این کتاب ها مثلا الهفت والاضلة الهفت والاشباح به نظرم مرحوم شیخ مفید یک جا الاشباح و الاضلة دارد ظاهرا مرادش همین کتاب باشد شیخ مفید در یکی از نوشته هایش از آن تعبیر کرده الاشباح والاضلة ظاهرا همین هفت شریف یا هفت والاضلة باشد .

علی ای حال این از این جور کتاب ها و واقعا باید گفت که ما در میان میراث های ما نکته ای که خداوند متعال به من لطف کرد ما همیشه عرض کردیم تا سال ۳۰۰ اوایل قرن چهارم دیگر جدا شدیم خط ما از خط آن غلو جدا شد معلوم شد که نه جدای جدا نشدیم آنها می آمدند از ما استفاده می کردند ما از آنها جدا شدیم .

یکی از حضار : این مسائل السلویة المسألة الثانية فی الاشباح والذرة والارواح

یکی از حضار : برای شیخ مفید ؟

یکی از حضار : بله ، ما قوله ادام الله ... فی معنى الاخبار المروية عن الائمة الهادية عليهم السلام فی الاشباح وخلق الله تعالى الارواح قبل خلقه آدم عليه السلام السؤال یک مقدار طولانی است الجواب : وبالله التوفيق ان الاخبار بذكر الاشباح تختلف الفاظها وتباين معانيها وقد بنت الغات عليها اباطيل كثيرة وصنفوا فيها كتب لغو فيها وهدوا فی ما اثبتوه منه فی معانيها

آیت الله مددی : انصافش قرن چهارم را من دقت کردم چون تا حالا کسی نگفته عده ای از این منحرفین و مشتبہین و اینها ، اینها از شیعه گرفتند حالا یا روایت ضعیف یا روایت جعلی اسماء جعلی و بعد چیزهایی را نسبت دادند و آن وقت انصافا باید بگویم در قرن چهارم وجود آل بویه خیلی تاثیر گذاشت و آمدن قمی ها علی راسهم مثل مرحوم کلینی بعد مثل ابن قولویه بعد مثل فرض کنید حسین بن جعفر ،

جعفر بن حسین مؤمن مثل

یکی از حضار: در تهذیب احادیث

آیت الله مددی: احادیث منقح شدند خیلی موثر بود و خود شیخ مفید و آخرینش هم شیخ طوسی و سید رضی و سید مرتضی هر چه از این اراجیف در اصحاب ما بود الحمدلله از اصحاب ما جدا شد آن وقت اینها انواع دارد یک تکه اش هم برای طب و اینهاست مثل همین طب الائمة است و لذا صدوق هم موضع گیری کرده گفته آقا روایات طبیه به در نمی خورد چون برای مزاج های خاص و هواهای خاصی است.

یکی از حضار: قضایای شخصیه

آیت الله مددی: آها قضایای شخصیه است به درد نمی خورد. اما ما غیر از این طب الائمة احتمالا این طب الصادقین چون این نسبت داده شده به تلعبری آن هم ۳۸۵ وفاتش است این هم در قرن چهارم است یک مقدار روایات این جوری یک مقدار کتاب های جابر بن عبدالله حدود ۴۰۰ کتاب به جابر بن عبدالله نسبت دادند این را ندیم دارد ندیم می گوید و من الناس من ینکر وجوده می گوید اصلا این وجود خارجی ندارد می گوید خیلی بعید است ۴۰۰ تا رساله نوشته چطور ممکن است بگویم این وجود خارجی ندارد بابا ۴۰۰ تا موهوم است اگر خودش هم موهوم است رساله اش هم ...

این ها آقا یک مطلبی است که بعد از تبعی که ما این تازگی است این امروز خیلی نشستیم با خودم فکر کردم از الطاف الهیه آن وقت فقه ما هم روایاتی که یک مقدار خدشه داشت یا مصدرش مثلا کتاب قضایا و سنن و احکام از زمان امام صادق رسماً دیگر مورد قبول نبود ائمه ای متاخر هم حضرت رضا حضرت جواد هیچ چیزی از این نقل نکردند اما در کتاب دعائم الاسلام آمده مضافاً به اینکه مثلاً دعائم الاسلام مسائل علی بن جعفر را به امام صادق نسبت داده آن هم نقل می کند.

ما مسائل علی بن جعفر را می گوئیم علی بن جعفر عن اخیه موسی آن می گوید نه عن ابیه جعفر یعنی یک مجموعه ای از روایاتی که محل کلام و اشکال است ایشان می آورد حالا یک کارهایی هم خودش می کند یک جاهای دیگری که حالا من نمی خواهم این هم برای ۳۶۳ آن وقت یک مقداری از روایات عرفان، یک عرفان، عرفان و اسرار مثل همین ها ابن شعبه و فلان و اسرار دین و الالهیه العظمی مثلاً همین کتاب مصباح الشریعة برای همین زمان است خیلی عجیب است ما در این زمان این را من ندیدم تا حالا اصلاً امروز می گویم به ذهن خودم رسید خودم هم ندیده بودم امروز به ذهن ما رسید اصلاً این روایت العبودیه جوهره کنه الربوبیه در نسخ مصباح الشریعة اگر نگاه بکنید در بعضی هایش باب دوم است یا باب اول است بعضی هایش باب ۱۰۰ است ۱۰۰ تا باب است آن کاملاً واضح است کلمات صوفیه است چون می گوید قال جعفر قال سفیان ثوری قال ابراهیم ادهم الی آخره.

در همین سالها ۴۱۱ عبدالرحمن سلمی وفات پیدا کرده در این تفسیر خودش مفصل از امام صادق دارد مفصل که به اصطلاح من به آن می گویم عرفان مصطلح یکی اش هم همین حدیثی است که آقای حسن زاده آورده خیلی هم چیز کرده که من همه ی کتب عرفان را دیدم مثل این یک سطر ندیدم و سقا هم ربهم شرابا طهورا در سوره ی هل اتی بله آقا ؟

یکی از حضار : در مجمع البیان هم نقل شده است

آیت الله مددی : همین مجمع البیان دیگر ایشان فقط مجمع البیان را دیده در مجمع البیان دارد سقا هم ربهم یطهرهم من کل شیء سوی الله اذ لا طاهر من تدنس بشیء من الاکوان الا الله یا سوی الله بعد می گوید کذا روه عن جعفر بن محمد در خود مجمع البیان .
آقای حسن زاده نوشته از این معلوم می شود که این حدیث خیلی سند دارد خیلی حدیث معتبری است چون رووا گفته خوب مرد حسایی اگر رووا گفت قبل از این تاریخ در کدام کتاب شیعه آمده است ؟
یکی از حضار : چرا مجمع البیان رووا را جمعی دارد .

آیت الله مددی : سنی هاست . آنها سنی ها ملتفت نشده ایشان عرفای اهل سنت ، عبدالرحمن سلمی دارد تازه آن نقل عبدالرحمن سلمی در این نسخه ی مجمع غلط هم دارد آخر این اینطوری است نسخه ی مجمع یطهرهم من کل شیء سوی الله اذ لا طاهر من تدنس بشیء من الاکوان سوی الله باز دارد سوی الله یا الا الله در کتاب عبدالرحمن سلمی ای یطهرهم من کل شیء سوی الله اذ لا طاهر من تدنس بشیء من الاکوان دیگر آن سوی الله را ندارد معلوم است که اصلا زاید هم هست در کتاب عبدالرحمن سلمی این ها را در آورده کیست آقای چیز چاپ کرده آقای پورجوادی جلد یکش پل نویان .

یکی از حضار : مقدمه ی مفصلی هم نوشته که نسخه ها و اینها را توضیح داده نسبتا

آیت الله مددی : بله ایشان برداشته نقل کرده از این جور عرفان مصطلح و مصباح الشریعة و اینها برمی آید . خیلی عجیب است این قرن چهارم طب الائمة و اینها برمی گردد به اینها حرف های نمی دنم اسماعیلیه و تناسخ و اینها از نصیری ها برمی گردد به اینها مزخرفاتی که اسماعیلیه داشتند برمی گردد به اینها یک چیز عجیبی است اصلا این قرن چهارم را به نظر من واقعا خداوند یک لطفی به ما کرد یک مکاشفه ای شده که این قرن چهارم بعد معلوم شد این بزرگان ما شیخ مفید و شیخ صدوق و سید رضی و بعدی ها و مرحوم کلینی و مرحوم ابن قولویه و اینها چه زحمت بزرگی کشیدند ما تا حالا نمی دانستیم چه زحمت بزرگی

قصه ی مرحوم نائینی را نقل کردم یک دفعه برای او تنباکو آوردند قلیان آوردند بعد گفتند این تنباکوی اطراف شیراز است یک جای خیلی معروفی است نائینی گفته بود یک کیفی کردیم خودمان خبر نداشتیم ، حالا ما فهمیدیم واقعا چه کار بزرگی را اینها انجام دادند .

هم احادیث را تنقیح کردند سند به آن دادند روشنش کردند حرف‌های لا طائلات ، خود مرحوم کلینی طب دارد در کافی طب دارد این حرف‌های لا طائلات را از آن برداشتند این حرف‌های نا مربوط را برداشتند .

اصلا اسم جابر بن حیان فقط در همین کتاب طب الائمه آمده در هیچ جای دیگر نیامده آن هم جابر بن حسان فقط در همین کتاب طب الائمه جابر بن حسان آمده ما جای دیگر جابر بن حیان نداریم نه نجاشی دارد نه شیخ دارد .

یکی از حضار : فقط خود ندیم دارد .

آیت الله مددی : ندیم ؟

یکی از حضار : در فهرست ندیم هم

آیت الله مددی : بله همه را دارد خوب الان هم به نظر ۳۳۰ تا ۳۵۰ تا را این سزگین پیدا کرده بله یک مقدارش را که چاپ کرده من هم دارم برای کراوس به اصطلاح یک مقدارش را من چاپ بعد هم شنیدم الان این شرفاوی هم گفت من همه را جمع کردم ادعایش این بود می خواستم به او بگویم اگر بشود همه را برای من استنساخ بکن غرض سزگین جمع کرده به نظر ۳۷۰ تا یا ۸۰ تا این ندیم دارد ۴۰۰ تا دقت می فرمایید .

غرض آقا این مطلبی را که امشب گفتیم سریعا متعرض بشویم انصافا این بزرگان ما در قرن چهارم چه خدمت بزرگی را به حدیث شیعه کردند به خاطر یک آزادی نسبی و در زمان بله آقا

یکی از حضار : ببخشید

آیت الله مددی : و در زمان صفویه باز دو مرتبه همین مشکلات حدیثی پیدا شد مخصوصا که آقایان تخصص ، مرحوم علامه آمد از راه حجیت وارد بشود راه بدی نبود خوب لکن بزرگان اصحاب گفتند در شیعه این جواب نمی دهد این راهی را که شما رفتید جواب نمی دهد فقط حدیث صحیح و حسن را بخواهیم قبول بکنیم در شیعه جواب نمی دهد با واقعیت شیعه نمی سازد . بعد از او حالا اخباری ها جای خودش ، انصافا دولت صفویه که در حدود ۲۲۱ سال بوده از ۹۰۶ تا ۱۱۳۵ که مغول حمله کردند دولت حالا بعد که اصلا کلا حکومت شیعی در ایران بود اما خود دولت ، خیلی اینها هم آقا زحمت فراوانی کشیدند همین بحار همین وافی همین وسائل یعنی یک کتاب‌های بسیار مهم کلیدی ما الان در حدیث توسط اینها که به نظر من الان در این ۴۵ سالی که در جمهوری اسلامی شده هنوز یک کاری به آن مایه ی سنگین مناسب با زمان ما و شرایط ما و امکاناتی که الان پیش آمده اطلاعاتی که الان پیش آمده الان اطلاعات فراوانی پیش آمده مثل همین که دیشب عرض کردم خیلی نسخه‌های خطی مجهول را بتوانیم برویم تشخیص بدهیم و معین بکنیم .

علی ای حال متأسفانه اینها نشده و یکی عرفان مصطلح است ، یکی عرفان من درآوردی اسماعیلی هاست چون آن‌ها باطنی هستند هر چیزی را یک چیزی ما بین عرفان و تأویل مثلاً می‌گوید پیغمبر گفت مثلاً باد بهار خودتان را رها کنید با باد خزان نه می‌گوید مراد از باد بهار صحبت مؤمن است باد خزان صحبت منافق است این همین‌جور با این یک آمیخته‌ای از این را با یک افکاری یعنی یک تأویلی که هیچ مایه‌ی علمی ندارد همین من درآوردی است برای همین شب‌های عید الزهراء خوب است .

علی ای حال از این قبیل و اینها هم در این قرن چهارم از ما جدا شد فقه دعائم در قرن چهارم از ما جدا شد عرفان مصطلح در قرن چهارم از ما جدا شد کتب طیبیه و علمیه‌ای که راجع به جابر و دیگران بود اینها در قرن چهارم جدا شد از ما جدا کردند عجیب این است که شیعه به اینها خیلی اعتناء نکردند آنها گرفتند اما اینها اعتناء این خیلی مهم است این مساله و انصافاً این بزرگانی که در وسط آمدند علی راسهم مرحوم کلینی چون مرحوم شیخ صدوق وقتی طوسی اسم می‌برد شش نفر یا هفت نفر در اول مشیخه از کلینی برایش حدیث نقل کردند کافی را یکی اش ابن قولویه که برای قم است بقیه‌اش بغدادی هستند .

چهار سال یا پنج سال بعد از فوت ایشان آل بویه سرکار آمدند سه چهار سال بعدش ابن قولویه به بغداد آمد بعد آن جعفر بن حسین مؤمن بعد همین طور آن یکی که داوود هست که کتاب مزار دارد ابن داوود است کیست ابوالحسن بن آن کتاب عده‌ی زیادی از قمی‌ها آمدند و حدیث که در قم دقت کنید در قم صبغیه‌ی شیعی صرف داشت یعنی صبغیه‌ی محلی داشت در بغداد صبغیه‌ی اجتماع مسلمان‌ها را گرفت یعنی صبغیه‌ی علمی گرفت به خودش و بهترین کار در این جهت را مرحوم شیخ طوسی قدس الله نفسه انجام دادند .

یکی از حضار : امروز من فقط دو تا نکته هست در دیشب من یک اشتباهی کردم روی جلد کتاب نوشته ابو هارون تلعبیری منتهی آقای دلیلی نوشته روایة تلعبیری

آیت الله مددی : دیگر حالا هر چه هست دیگر

یکی از حضار : بعد ایشان یک توضیحی هم داده بعداً من یک صدایی شنیدم

آیت الله مددی : حالا اشکالی ندارد برای ایشان باشد

یکی از حضار : ایشان نگفته ایشان می‌گوید من نمی‌دانم مولف کیست فقط می‌دانم روایت تلعبیری است .

آیت الله مددی : آن هم قرن چهارم است .

یکی از حضار : من فقط چون نویسنده را ایشان نگفته ادعا نکرده

آیت الله مددی : بله می‌دانم فهمیدم .

یکی از حضار: یکی هم این کتاب چیز هم مسائل السریة فقط این عبارتش را سریع بخوانم بعد ایشان می گوید و اضافوا ما حوطه الکتب

الی جماعة من شیوخ اهل الحق وتخرس الباطل من اضافتها اليهم من جملتها کتاب سموها کتاب الاشباح والاضلة

آیت الله مددی: هفت والاضلة

یکی از حضار: ونسبوا تالیفه الی محمد بن سنان ایشان می گوید

آیت الله مددی: بعدش مفضل بن عمر است

یکی از حضار: بعد می گوید ولسنا نعلم صحة ما ذکرُوا فی هذا الباب عنه فان کان صحیحاً فان الابن السنان قد طعن علیه وهو متهم بالغلو

فان صدقوا فی اضافة هذا الكتاب الیه فهو ضال بضلالة عن الحق وان کذبوا فقد تحملوا اوزار ذلک دیگر اسم مفضل نمی آورد اینجا

آیت الله مددی: نه به مفضل نسبت داده است

یکی از حضار: نه از ایشان نه

آیت الله مددی: شاید می دانم شاید

یکی از حضار: بالاخره کتاب را اسم می برد .

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين